

# نهضت های اسلامی و جهان اسلام؛ واقعیت ها و چالشها

نویسنده: محمد اکرام اندیشمند

## - 3 -

### مهم ترین احزاب اسلامی در کشورهای اسلامی :

#### 1- اخوان المسلمین مصر:

در واقع میتوان اخوان المسلمین را پیشقراول جنبش اسلام گرایی در سده بیستم به خصوص در میان جوامع سنی مسلمانان جهان تلقی کرد. تشکیل این حزب نقطه عطف در حیات نهضت اسلامی و یا جریان اسلام گرایی شمرده میشود.

جماعت اخوان المسلمین مصر در سال 1928 عیسوی توسط حسن البنا و شش نفر از همفکرانش در شهر اسماعلیه تشکیل شد. در سالهای که حسن البنا اخوان المسلمین را تأسیس کرد سه گونه گرایش فکری دینی سیاسی در مصر و جوامع دیگر مسلمانان وجود داشت:

نخست، افکار سنتی و محافظه کار که با نوگرایی دینی و نوسازی جامعه بر مبنای قرائت معاصر از مسایل دینی مخالفت میکردند. بسیاری از علمای سنتی دانشگاه ازهر قاهره از این عناصر بودند.

دوم، طرفداران نوگرایی دینی و شاگردان محمد عبده که حتماً بعضی شان به نحوی جدایی دین از سیاست را نیز مورد توجه داشتند.

و سوم اصلاح طلبان پیرو محمد رشید رضاء که با افکار سلفی گری هوای بازگشت به اسلام نخستین را در سر می پروراندند.

حسن البنا با تأثیر پذیری از گرایش سوم یعنی دیدگاه های محمد رشید رضا اندیشه های خود را در چهارچوب تشکیلات اخوان المسلمین ریخت. حسن البنا در مورد چهره های شاخصی که بانیان نهضت اسلامی شناخته میشوند و تعریف اخوان المسلمین می گوید: سید جمال الدین افغانی صدای هوشداری است که مسلمانان دچار آن اند. شیخ محمد عبده معلم و فیلسوف و رشید رضاء نویسنده تاریخ است؛ درحالی که اخوان المسلمین نه یک پیام بلکه جهاد، تلاش و کار است.

عوامل مهمی که حسن البنا را بسوی تکوین این جنبش دینی- سیاسی برد ریشه در نگاه و باور او به توانایی اسلام در ایجاد حاکمیت سیاسی و مقابله با تسلط استعمار غربی به خصوص مبارزه با شکل گیری کشور و دولت یهودی اسرائیل در فلسطین داشت. نکته جالب این است که حتماً تشکیل دولت و کشور اسرائیل به عنوان دولت دین محور دیدگاه ایجاد دولت اسلامی را در میان اخوان المسلمین تقویت کرد. محمدغزالی نویسنده مصری عضو اخوان المسلمین میگوید که مسلمانان آمیزش سیاست و دین را از یهودها بیاموزند که کشور خود را اسرائیل نامیدند نه چون مسلمانان عرب که به کشور های خود عربستان سعودی و اردن هاشمی نام گذاشتند.

اخوان المسلمین در سالهای 1936 تا 1939 زمان تشدید تعارض و منازعه اعراب فلسطین با سازمان های یهودی در اسرائیل و فلسطین امروز که در دفاع فلسطینی ها قرار گرفت بیشتر وارد سیاست شد. سپس این جماعت در جنگ مصر با اسرائیل در کنار افسران آزاد جنبش ملی گرای

مصری به رهبری جمال ناصر سهم گرفت و موقعیت خود را به عنوان یک حزب اسلامی و عربی تثبیت کرد.

### اخوان المسلمین در مسیر خشونت و تفرقه :

شکست اعراب در جنگ 1948 با اسرائیل گروه های سیاسی را در مصر بسوی خشونت برد. اما دولت مصر اخوان المسلمین را به عنوان محور اصلی خشونتگرایی در این سال غیر قانونی اعلان کرد. یکسال بعد حسن البنا (فبروری 1949) بنیانگذار این حزب ترور شد. پس از او حسن اسماعیل هضیبی در 1951 مرشد عام اخوان (رئیس حزب یار هبر) تعیین گردید.

هرچند اخوان المسلمین پس از ممنوعیت، فعالیت خود را بصورت قانونی از سر گرفت اما در سال 1954 عیسوی رابطه اش با جمال عبدالناصر رئیس دولت مصر بسوی خصومت رفت. این خصومت ناشی از سوء قصد یک عضو اخوان المسلمین بجان جمال ناصر در 26 اکتوبر 1954 بود. اخوان المسلمین که از سوی دولت ناصر متهم به این حمله شد مورد سرکوبی قرار گرفت و بار دیگر غیرقانونی اعلان شد.

اخوان المسلمین پس از حسن البنا و دوره ی سرکوبی دچار تفرقه شد و افکار متفاوت افراطی و معتدل در درون آن بوجود آمد؛ اما بدنه اصلی اخوان المسلمین در خط میانه روی باقی ماندند. حسن هضیبی برغم مخالفت با سیاست های ناصر، کتاب دعاة لاقضاة (مبلغان نه داوران) را با سایر رهبران معتدل اخوان نوشت و توضیح داد که مبنای کار اخوان المسلمین دعوت و ارشاد است. او در این کتاب ابراز داشت که اخوان المسلمین از راه دعوت و ارشاد جامعه و نظام سیاسی را بسوی اصلاح میبرد، نه آنکه بمثابة یک گروه سیاسی باورهای جزمی خود را همچون احزاب کمونیستی و یا خوارج ابزار رسیدن به قدرت سازد.

اما نابرداری حکومت ناصر در برابر اخوان المسلمین و دیدگاه های مختلف و متفاوت در میان اعضای آن، بخشی از این جریان را بسوی افراط گرایی برد و موجب ایجاد گروه های خشونتگرا شد. سیدقطب مهم ترین و تأثیر گذارترین نویسنده و اندیشه پرداز اخوان المسلمین در سالهای اخیر حیات خویش که توسط حکومت ناصر زندانی و در سال 1966 اعدام شد قرائت افراطی و خشونتگرایانه ارائه داشت. او در این دوره کتاب معالم فی الطریق (نشاه های راه) را نوشت و جامعه را بدو جامعه جاهلی و اسلامی دسته بندی کرد. حتا جوامع مسلمان را که حکومت اسلامی ندارند و مورد نفوذ غرب واقع شده اند در شمار جامعه جاهلی قرار داد. افکار و دیدگاه های سیدقطب در واقع به ظهور عناصر و گروه های خشونتگرا و افراطی در درون اخوان المسلمین انجامید.

### اخوان المسلمین و فکر تشکیل حکومت اسلامی :

اخوان المسلمین از همان آغاز، اندیشه ی تشکیل دولت اسلامی را مطرح کرد و با این استدلال که یکی از عوامل عقب ماندگی مصر جدایی دین از سیاست است، شعار اسلام راه حل را پیش کشید.

حسن البنا بنیانگذار اخوان المسلمین تأسیس حکومت اسلامی را از اهداف اولیه خواند و منابع اساسی اسلام را قرآن و سنت معرفی کرد. او معتقد بود که بدون تشکیل حکومت اسلامی دنیای اسلام از سلطه استعمار رها نمیشود و جوامع مسلمانان به امنیت، صلح و پیشرفت نمیرسند. او از

همه پیشتر وحدت جهان عرب و آزادی فلسطین را در تشکیل حکومت اسلامی سراغ میکرد، به اتحاد جهان اسلام انگشت می‌گذاشت و مسلمانان را امت واحد میخواند.

حسن البنا که تشکیل دولت و نظام اسلامی را هدف غایی این جنبش میخواند وظیفه چنین دولت مورد نظر خود را حراست از شریعت اسلامی می‌پنداشت. او به این قول محمدغزالی تمسک می‌جست که: "شریعت را اصل میدانست و سلطان را نگهبان و آنچه اصل ندارد ویران می‌شود و آنچه که نگهبان ندارد تباه است."

اما اندیشه و دیدگاه های اخوان المسلمین در مورد حکومت اسلامی برغم آنکه از همان آغاز بسیار روشن و مشخص نبود و یک تصویر شفاف از چنین حکومتی در عرصه ی تئوریک ارائه نکرد، به تدریج متغیر و متحول گردید. پس از فوت عمر التلسمانی مرشد سوم یا سومین رهبر اخوان المسلمین در سال 1986 جناح های معتدل و اصلاح طلب در درون اخوان المسلمین بیشتر رشد کردند و در صدد آن شدند تا افکار و اهداف اخوان المسلمین را با مقتضیات زمان و شرایط داخلی جامعه مصر و شرایط منطقه ای و بین المللی هماهنگ سازند.

### **اخوان المسلمین مصر در آستانه ی اقتدار سیاسی :**

جنبش بهار عربی در سال 2011 عیسوی که به سقوط حسنی مبارک از ریاست دولت مصر انجامید، اخوان المسلمین مصر را به پشت دروازه های قدرت سیاسی برد. اخوان المسلمین که به عنوان یک حزب سیاسی حق فعالیت نداشت و در دهه های اخیر مشغول فعالیت اجتماعی و خیریه بود اولین مجلس بزرگ خویش را بنام شورای ارشاد پس از سقوط مبارک تشکیل داد. اعضای این مجلس برغم اختلاف بر سر حضور و فعالیت در حوزه سیاسی به تأسیس حزب آزادی و عدالت اقدام کردند. این حزب بریاست محمد مرسی و معاونیت عصام العریان از فعالان رهبری اخوان المسلمین شکل گرفت. هر چند احزاب و گروه های دیگر چون: حزب النهضة برهبری ابراهیم زعفرانی، حزب الریاده برهبری خالد داوود، حزب اصلاح و توسعه برهبری حامد دفرای و برخی گروه های کوچک دیگر در واقع از درون اخوان المسلمین جدا شدند اما بدنه اصلی آن به عنوان حزب آزادی و توسعه نیم کرسی های پارلمان را بدست آورد و برای اولین بار در تاریخ تأسیس اخوان المسلمین در ریاست پارلمان مصر قرار گرفت.

### **نفوذ اخوان المسلمین مصر در کشورهای اسلامی:**

اخوان المسلمین در توضیح نخستین اهداف و مرام تشکیلاتی و مبارزاتی، خود را حرکت جهانی در رسیدن به آرمانهای اسلامی خواند. پس از شکل گیری این جریان، جنبش های مشابه در کشورها و جوامع مسلمان از آن الهام و تأثیر پذیرفتند. حتا در کشورهای عربی اردن، سوریه و سودان جریان اسلامی به همین نام تشکیل یافت.

اخوان المسلمین اردن در سال 1946 در شهر امان پایتخت کشور تأسیس شد و با روش میانه روی و پرهیز از تقابل با دولت سلطنتی اردن به نفوذ فزاینده در جامعه دست یافت. حضور جمعیت کثیر فلسطینی در اردن به گسترش این نفوذ کمک کرد.

اخوان المسلمین سودان که در اواسط دهه چهارم سده بیست عیسوی شکل گرفت، در دوران رهبری دکتر حسن ترابی به دولت نمیری و صادق المهدی نزدیک شد و در صدد تطبیق اهداف خود مبتنی بر اجرای شریعت و اسلامی ساختن جامعه از طریق همکاری با دولت های سودان برآمد.

اخوان المسلمین سوریه در سال 1935 عیسوی توسط مصطفی السباعی بنیادگذاری شد اما در تقابل با دولت قرار گرفت و دچار تفرقه و انشعاب شد. در اواخر دهه چهل شماری از اعضای اخوان المسلمین سوریه با تأسیس سازمانی بنام جبهه اسلامی سوریه وارد جنگ با دولت شدند. دولت حزب حاکم بعث برهبری حافظ الاسد در سال 1982 عیسوی شورش اخوان المسلمین را در شهر حما به شدت سرکوب کرد. سپس در سال 2011 عیسوی که جنبش بهار عرب شکل گرفت، اخوان المسلمین بار دیگر وارد جنگ با دولت بشار اسد در سوریه شد. اخوان المسلمین در لیبیا که در اواخر دهه چهل قرن بیستم عیسوی بوجود آمد پس از سال 1969 عیسوی مورد سرکوبی دولت قذافی قرار گرفت.

هر چند در سایر کشورهای عربی و اسلامی احزاب اسلامی با نام اخوان المسلمین ایجاد نشد ولی تأسیس آن احزاب در آن کشورها پس از اخوان المسلمین مصر با نام های مختلف در واقع با الهام و تأثیر پذیری از اخوان صورت گرفت. شاید مهم ترین عامل نفوذ و تأثیرگذاری اخوان المسلمین مصر در کشورهای اسلامی دنیا به ویژگی آن به عنوان نخستین تشکل سیاسی - اسلامی در سده بیستم و در زمان استیلای استعمار غرب بر جوامع مسلمان برگردد، اما سرکوبی این جنبش در کشور مادر بر عکس به فرصت نفوذ آن در کشورهای اسلامی مبدل شد. فرار و مهاجرت اعضای این جنبش از مصر به کشورهای عربی به گسترش نفوذ اخوان المسلمین در این کشورها انجامید. مثلاً مهاجرت افرادی چون یوسف قرضاوی در قطر به فعالیتهای فرهنگی و تبلیغاتی اخوان المسلمین بیشتر میدان داد. آنها با ایجاد روابط نزدیک با خاندان حاکم آل ثانی، فضای مساعدی برای فعالیت های فکری خود بوجود آوردند.

## 2- حزب النهضة تونس :

حزب النهضة تونس همچون بسیاری از احزاب اسلامی کشورهای عرب و مسلمان در تأثیر و الهام از اخوان المسلمین مصر شکل گرفت. این حزب برهبری راشد الغنوشی بوجود آمد که سیدقطب از فعالان تیوری پرداز اخوان المسلمین مصر و ابوعلی مودودی بنیانگذار جماعت اسلامی پاکستان در اندیشه های وی تأثیر گذار بودند. علی رغم آن غنوشی برخلاف سیدقطب و مودودی به عنوان چهره میانه رو و نوگرای جریان اسلامی تبارز کرد. او نظریات خود را در مورد حقوق شهروندی در اثرش به نام آزادی ها در اسلام نوشت و تصویری میانه روی از خود ارائه کرد. غنوشی دموکراسی را با اسلام قابل تلفیق میدانند و میگویند: «میکانیزم ها و شیوه های مربوط به اداره و روابط بشری در حکومت اسلامی چندان تفاوتی با نظام رایج جهانی به نام دموکراسی ندارد. به عبارت دیگر، حکومت اسلامی با حاکمیت اکثریت که در شکل انتخابات آزاد و وجود مجلس شورا، مجالس محلی و وجود قوه قضاییه مستقل و احترام به افکار عمومی تجلی پیدا میکند، موافق است. . .»

غنوشی پس از سرنگونی حکومت بن علی که در تبعید به سر میبرد در سال 2011 عیسوی به تونس بازگشت. او هنگام مبارزات انتخاباتی در اکتوبر 2011 در برابر این پرسش که چرا در تبلیغات حزب النهضة شریعت اسلامی منبع قانونگذاری معرفی نمی شود، پاسخ داد: " دین و دولت در قانون اساسی ما اسلام است. دولت تونس دولت بدون دین نیست. هیچکس نمیتواند ادعا کند که دین را نمایندگی میکند، نه حزب النهضة و نه دیگران. در واقع این جامعه است که دین را در سیاست ها و قوانین و آداب بازتاب میدهد. به گمانم معنای اینکه شریعت مبنای قانون گذاری باشد، این است که تدوین قوانین را به یک دولت شهر وندی واگذار کنیم." سپس حزب النهضة که انتخابات را برد و ریاست حکومت را بدست آورد در 26 مارچ 2012 از تقاضای احزاب و جریانهای افراط گرای اسلامی در مورد تدوین قانون اساسی بر مبنای شریعت اسلامی حمایت نکرد.

علاوه از حزب النهضه تونس احزاب اسلام گرای دیگر نیز در تونس فعالیت دارند که به طور عموم در دو گروه اصلاح طلب و نوگرای اسلامی و گروه بنیادگرای سلفیت دسته بندی می شوند.

### 3- جبهه نجات اسلامی الجزایر :

سابقه دارترین جنبش اسلامی الجزایر در سده بیستم جمعیت علمای مسلمین است که در سال 1936 توسط شیخ عبدالحمید بن بادیس تشکیل شد. پس از مرگ او در 1940 شیخ بشیر ابراهیم (بشیرالابراهیمی) دوست و شاگردش رهبری جمعیت را بدوش گرفت. با تشکیل دولت تک حزبی در الجزایر توسط جبهه آزادیبخش ملی پس از استقلال کشور در سال 1962 که مناسبات گروه های اسلام گرا با حزب حاکم بسوی تنش رفت فعالیت جمعیت علمای مسلمین ممنوع شد.

جمعیت ارزش ها یکی دیگر از گروه های اسلامی بود که در دهه شصت بوجود آمد. این جمعیت که عباس مدنی رهبر بعدی جبهه نجات اسلامی عضو آن بود گروه میانه رو اسلامی محسوب می شد و با هر دو طرف حزب حاکم و مخالفان اسلامی دولت رابطه داشت. پس از کودتای 1965 ارتش در الجزایر که نظامیان در رهبری قدرت قرار گرفتند و نوعی از سوسیالیسم متمایل به راست را خط مشی سیاسی خود قرار دادند جریان های اسلامی تحت فشار واقع شدند. جمعیت ارزش ها در مارچ 1970 از سوی دولت غیرقانونی اعلان شد.

سر انجام جبهه نجات اسلامی الجزایر (الاجبهة الاسلامیة للإفقاد) به عنوان بزرگترین حزب اسلامی متشکل از گروه های مختلف اسلامی پس از شورش های اکتوبر 1988 در الجزایر که انقلاب نان نام یافت در نتیجه بازنگری قانون اساسی شکل گرفت. این جبهه در مارچ 1989 بر رهبری عباس مدنی استاد دانشگاه الجزایر اعلان موجودیت کرد.

جبهه نجات اسلامی نخست در انتخابات شهر داری سال 1990 پیروز شد و سپس در انتخابات پارلمانی دسمبر 1991 از 430 کرسی 188 کرسی را بدست آورد. اما ارتش الجزایر دست به کودتا زد و انتخابات را باطل اعلان کرد. ژنرالان حاکم رهبران جبهه را به زندان انداختند و در مارچ 1992 دادگاه الجزایر انحلال جبهه نجات اسلامی و محاکمه رهبران آنرا اعلان کرد.

خشونت در الجزایر پس از این حوادث آغاز یافت و گروه های افراطی در داخل جبهه نجات اسلامی بر ضد حکومت اعلان جهاد کردند. جبهه نجات دچار تفرقه شد و دو گره اصلی مسلح بنام حرکت مسلح اسلامی بر رهبری عبدالقادر شبوطی و جماعت مسلح اسلامی بر رهبری منصور ملیانی بوجود آمد. بدنه اصلی جبهه نیز ارتش نجات اسلامی را تشکیل داد. گروه های افراطی حتا با سایر بخش های جبهه نجات درگیر جنگ شدند. هزاران نفر در این جنگ ها به شمول حسانی رهبر جبهه به قتل رسیدند.

در سالهای جنگ و خشونت داخلی، حزب وفا از اعضای سابق جبهه بر رهبری احمد طالب ابراهیمی شکل گرفت اما در نوامبر 2000 از سوی دولت منحل شد. گروه های دیگر اسلامی چون: جمعیت ارشاد و اصلاحات، جمعیت نهضت اسلامی، انجمن دعوت اسلامی، جنبش جامعه صلح و غیره نیز در الجزایر حضور دارند که بعضی سیاست همکاری با دولت الجزایر را پیش گرفتند. جنبش جامعه صلح با عنوان جریان اسلامی معتدل در انتخابات ریاست جمهوری 1995 الجزایر شرکت کرد و سپس شماری از اعضای آن وارد کابینه شد. هر چند همکاری گروه های میانه رو اسلامی با دولت سکولار و ملی گرای نظامی الجزایر مورد پذیرش گروه های افراطی الجزایر نبود اما این امر نشان از شکل گیری افکار میانه رو و کثرت گرایی سیاسی در میان جریان اسلامی داشت. ولیکن نکته ی شگفت انگیز عدم تأثیر قیام های ضد حکومتی بعضی کشورهای عربی شمال آفریقا معروف به بهار عربی در الجزایر است.

#### 4- سایر کشورهای عربی :

بسیاری از احزاب اسلامی کشورهای عربی و اسلامی دنیا با نام های متفاوت و در واقع اهداف یکسان و یا بسیار مشابه با اهداف اخوان المسلمین مصر تأسیس شدند. بگونه مثال: جبهه اجتماعی صلح در الجزایر، جبهه اسلامی ملی در سودان، جماعت اسلامی در لبنان، حزب عدالت و توسعه در مراکش، حزب اصلاح طلبان میانه رو (اصلاحیونالوسطیون) در کشور موریتانیا، جنبش حماس در فلسطین، جماعت اسلامی لبنان، اتحاد اسلامی کردستان عراق، جمعیت اصلاح اجتماعی کویت، جمعیت اصلاح بحرین، جمعیت اصلاح یمن (حزب التجمع الیمنی للاصلاح) و غیره.

بعضی احزاب اسلامی ملهم از اخوان المسلمین مصر و دارای اهداف مشابه آن برغم آنکه در آغاز احزاب آرمان گرای اسلامی بودند و در واقع در جریان بنیادگرایان اسلامی دسته بندی می شدند با تغییر در خط مشی آرمانی و جهادی به کثرت گرایی و سیاست مدارا روی آوردند. ارزش های جامعه مدرن را پذیرا شدند، انقلابی گری را کنار گذاشتند و با سهم در انتخابات و مشارکت در قدرت سیاسی در بخش جریان نوگرایان اسلامی قرار گرفتند. به خصوص این احزاب پس از بهار عربی با تصویر جدیدی از اهداف سیاسی خود به پیروزی های زیاد در انتخابات رسیدند. آنها در انتخابات پارلمانی سال 2011 مصر و تونس پیروز انتخابات شدند. در مراکش حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب اسلام گرای معتدل از میان 395 کرسی پارلمان به 107 کرسی در انتخابات نوامبر 2011 دست یافت.

جمعیت اصلاح یمن یکی از احزاب معتدل اسلامی جامعه سنی مذهب این کشور که در انتخابات سال 1993 پارلمانی به دومین حزب با نفوذ مبدل شد در اعتراض و مخالفت با حکومت علی عبدالله صالح نقش مهمی داشت. جریان اسلام گرایی معتدل در انتخابات پارلمانی دوم فبروری 2012 کویت نیز به پیروزی مهمی دست یافتند.

#### 5- احزاب اسلامی افغانستان:

احزاب اسلامی افغانستان که در دهه هشتاد سده بیستم عیسوی در جنگ با نیروهای شوروی و دولت حزب دموکراتیک خلق به شهرت و اقتدار رسیدند در شکل گیری خود متأثر از اخوان المسلمین مصر هستند. غلام محمدنیازی از دانشجویان دانشگاه ازهر قاهره در دهه شصت عیسوی پس از بازگشت در دانشگاه کابل به عنوان استاد دانشکده شرعیات هسته ی نخست اسلام گرایی را ایجاد کرد. این فکر به سرعت در میان بعضی از استادان و دانشگاہیان جوان ریشه دوانید و در ده سال پایانی سلطنت محمدظاہر شاه پا به پای جنبش چپ مارکسیستی و در تقابل با آن نفوذ و گسترش یافت. اما پس از کودتای سردار محمد داود جریان اسلامی افغانستان در اوایل دهه هفتاد تحت فشار قرار گرفت. شماری از رهبران و فعالان این جریان از سوی حکومت محمداود به زندان رفتند و تعدادی به پاکستان پناه بردند.

حاکمیت حزب مارکسیستی دموکراتیک خلق در سال 1978 و سپس حمله نظامی شوروی بر افغانستان جریان اسلامی این کشور را مورد توجه و حمایت تمام کشورهای اسلامی عربی طرفدار غرب و دولت های غربی برهبری ایالات متحده امریکا قرار داد. جمعیت اسلامی برهبری برهان الدین ربانی استاد دانشگاه کابل و تحصیل یافته دانشگاه ازهر قاهره و حزب اسلامی برهبری گلبدین حکمتیار دانشجوی فاکولته انجینیری دانشگاه کابل در محور این توجه قرار گرفتند. سپس احزاب دیگر اسلامی در پاکستان و ایران شکل گرفتند. هرچند شوروی در پایان دهه هشتاد افغانستان را ترک گفت و دولت مورد حمایت آن در سال 1992 عیسوی سقوط کرد اما احزاب اسلامی افغانستان



با دخالت پاکستان و کشورهای منطقه بر سر قدرت با هم جنگیدند. این منازعه به ظهور گروه جدید تحریک اسلامی طالبان در سال 1994 با همکاری پاکستان انجامید که در سال 1996 کابل را تصرف کردند. حمایت آنها از اسامه بن لادن و القاعده متهم به حملات 11 دسامبر 2001 در امریکا موجب حمله نظامی امریکا و سقوط طالبان از قدرت شد. پس از آن احزاب اسلامی افغانستان دچار تفرقه و انشعاب بیشتر شدند.

نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی افغانستان علی رغم پیروزی در جنگ با نیروهای شوروی و دولت حزب دموکراتیک خلق و کسب قدرت سیاسی بازتابی از ناتوانی و شکست این جریان در ایجاد حکومت و نظام اسلامی است. هیچیک از این احزاب موفق نشدند تا نظام اسلامی مورد ادعای خود را حتی در یک محدوده ی کوچک حاکمیت خویش ایجاد کنند.

### 6- احزاب اسلامی در پاکستان و شبه قاره هند :

جماعت اسلامی از قدیم ترین و منظم ترین حزب اسلام گرای شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا محسوب می شود که در سال 1941 عیسوی توسط مولانا ابوالاعلی مودودی (1779-1903) در شهر لاهور ایجاد شد. این حزب سپس در سراسر شبه قاره هند گسترش یافت.

جماعت اسلامی پاکستان در واقع تداوم جنبش خلافت و سایر جنبش های اصلاحی دینی و تأثیر افکار رهبران آن جنبش ها بود. جماعت اسلامی برهبری مودودی با امتناع از شورش گری و براندازی نظام سیاسی خط مشی اصلاح طلبانه را در پیش گرفت و در صدد اصلاحات دینی و سیاسی از راه مسالمت آمیز تبلیغ و تربیت دینی برآمد. مودودی رهبر این حزب در حالی که گرایش سلفی گری داشت و خواستار حکومت اسلامی بود، به انتخابات و نظام چند حزبی و بهره گیری از دموکراسی در حکومت مخالفت نشان نمیداد.

مودودی نه تنها یکی از چهره های مهم و تأثیرگذار بر نهضت اسلامی یا اسلام گرایی قرن بیستم در پاکستان است، بلکه او فرد مؤثر این جریان در شبه قاره هند، جنوب شرق آسیا، افغانستان و حتی جوامع عربی شمرده میشود. بعضی از آثار مودودی به زبان عربی در کشورهای عرب چاپ و منتشر شد که حکایت از نفوذ فکری او دارد.

مودودی پس از تشکیل پاکستان در یک ائتلاف با احزاب دیگر اسلامی تلاش کرد تا قانون اساسی پاکستان را بر مبنای اصول اسلامی تدوین کند. وی در 1956 موفق شد تا بسیاری از خواسته های خود را وارد قانون اساسی کند. روابط جماعت اسلامی و رهبری آن با ژنرال ایوب که در سال 1958 پس از کودتای نظامی به قدرت رسید متشنج شد. رهبران نظامی این دوره که مخالف دخالت دین در امور سیاسی بودند ابوالاعلی مودودی را دوبار زندانی کردند. مودودی در سال 1972 از رهبری یا امارت جماعت اسلامی پاکستان کناره گیری کرد و در سال 1979 وفات یافت؛ اما جماعت اسلامی در حکومت ژنرال ضیاءالحق فعال تر و قدرتمند تر شد. این حزب تا پایان حکومت ضیاء به مناصب مهم دولتی دست یافت؛ هر چند که نتوانست پایگاه اجتماعی خود را در جامعه پاکستان توسعه دهد.

احزاب اسلامی دیگر در پاکستان عبارت از جمعیت العلمای پاکستان و جمعیت العلمای اسلام و

ده ها حزب و گروه های کوچک اسلامی است. این احزاب با گرایش مختلف سنت گرایی، بنیادگرایی، افراطی گری و نوگرایی اسلامی شامل تمام این جریانها میشوند.

## 7- احزاب اسلامی کشورهای جنوب شرق آسیا :

جریان های اسلام گرایی اندونیزیا، مالیزیا و جوامع اقلیت های مسلمان کشورهای جنوب شرق آسیا در اواسط سده بیستم با تأثیر از جنبش های اسلامی شبه قاره هند و کشورهای عربی به خصوص اخوان المسلمین مصر شکل گرفت. تسلط استعمار غرب بر اندونیزیا و سایر کشورهای جنوب شرق آسیا در سده بیستم موجب تکوین جنبش اسلامی به صورت یک جریان دینی- سیاسی و اجتماعی گردید. اما برغم آن جریان اسلام گرایی در اندونیزیا و مالیزیا برخلاف بعضی کشورهای اسلامی بصورت افراطی نمودار نشدند. ترکیب مختلط جمعیت این کشورها از ادیان و عقاید دیگر، تأثیر افکار و فرهنگ این ادیان و سنت های بومی مردم بر فرهنگ و اندیشه های اسلامی، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و نفوذ تمدن غربی در سده بیستم از عواملی بود که جریان اسلام گرایی را در این کشورها بسوی اعتدال برد. هرچند برخی از حلقه ها و گروه های کوچک افراطی و ستیزه جو در میان مسلمانان این جوامع بوجود آمدند که پایگاه اجتماعی شان بسیار ضعیف است.

هسته ی اولی نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی مالیزیا در درون حزب ناسیونالیست و سکولار مالیزیا در سال 1940 بنام حزب المسلمین شکل گرفت. سپس در سال 1951 مجمع اسلامی سراسری مالایا بوجود آمد و قبل از استقلال و تشکیل کشور مالیزیا بزرگترین حزب اسلام گرا بنام "پاس" (PAS) یا حزب اسلامی سراسری مالیزیا (Malaysia Islamic Party) تأسیس یافت. این حزب که هرچند در تمام فعالیت های سیاسی و انتخاباتی مالیزیا نقش فعال ایفا کرد اما در درون حزب تمایلات افراط گرایی دینی نیز پدید آمد. علی رغم آن، حزب اسلامی مالیزیا (پاس) بزرگترین حزب سیاسی جریان اسلامی گرایی شناخته میشود که تفکر میانه روی در آن غلبه دارد.

اولین حزب سیاسی اسلامی در اندونیزیا به نام شراکت اسلام (سریکات اسلام) در سال 1912 شکل گرفت. این حزب برغم روحیه استعمار ستیزی خود دگرپذیر و مدارا جو بود و از اصلاحات سیاسی و اجتماعی حمایت میکرد. سپس این حزب در سال 1922 عیسوی دچار انشعاب شد. پس از استقلال اندونیزیا در نیمه دوم قرن بیستم احزاب متعدد اسلامی چون: حزب ترقی متحد، حزب نهضت، حزب رفاه و عدالت، حزب جماعت اسلامی، حزب حامی و غیره بوجود آمدند اما در انتخابات نتوانستند به پیروزی برسند و به اقتدار سیاسی دست یابند.

در میان احزاب اسلامی اندونیزیا حزب جماعت اسلامی از گروه های افراطی اسلامی است که در سال 1973 عیسوی توسط عبدالله سونگ کار و ابوبکر بشیر تأسیس شد. آنها که در سال 1978 توسط حکومت سوهارتو زندانی شده بودند پس از رهایی در سال 1982 به کشور مالیزیا رفتند و در سال 1993 سازمان بین المللی جماعت اسلامی اندونیزیا را ایجاد کردند. در سال 1999 که سونگ کاروفات کرد رهبری جماعت اسلامی را ابوبکر بشیر بدوش گرفت و به اندونیزیا بازگشت. جماعت اسلامی برهبری او هرچند به شاخه های مختلف انشعاب کرد اما فکر تشکیل حکومت اسلامی در اندونیزیا و کشورهای جنوب شرق آسیا شامل جنوب تایلند، مالیزیا، برونئی، جنوب فلپین و کمبودیا از راه خشونت و عملیات نظامی در میان بسیاری از افراد و حلقه های افراطی و تند رو جماعت مذکور گسترش یافت. بمگذاری در جزیره بالی اندونیزیا در 12 اکتوبر 2002 یکی از عملیات جماعت اسلامی بود که جان ده ها گردشگر غربی را گرفت. جماعت اسلامی از سوی دولت اندونیزیا غیر قانونی اعلان شد و از سوی ایالات متحده امریکا شامل گروه های تروریستی گردید.

معروف ترین گروه اسلامی در میان مسلمانان فلپین جبهه آزادیبخش اسلامی مورو (F.I.L.M) است که در جهت تشکیل کشور مستقل برای مسلمانان این کشور با دولت فلپین می جنگد.



## جنبش اسلام گرایی و حزب عدالت و توسعه در ترکیه :

جریان اسلامی گرایی ترکیه در فضای متفاوت از سایر کشورهای اسلامی و تحت حاکمیت نظام سکولار انکشاف یافت؛ هر چند که احزاب اسلام گرا در ترکیه نتوانستند پیشوند و پسوند اسلامی داشته باشند.

نجم الدین اربکان (1926-2011) که در مارچ 2011 عیسوی وفات یافت بنیانگذار نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی ترکیه شمرده میشود. اربکان یک مهندس تحصیل یافته در غرب بود که در صدد ایجاد جامعه و دولت مدرن با حفظ ارزش های اسلامی شد. او اندیشه سیاسی و اقتصادی خود را که تلفیقی از اسلام گرایی و ملی گرایی بود در سال 1969 عیسوی به نام دیدگاه ملی (ملی گروش) منتشر کرد. این دیدگاه در واقع اساسنامه جریان اسلام گرایی ترکیه شد که به یکسال حکومت حزب رفاه به رهبری وی در 1992 و حاکمیت حزب عدالت و توسعه، حزبی برخاسته و ملهم از این جریان در سال 2002 عیسوی تا اکنون (2012) انجامید.

اربکان در سال 1969 به عنوان نامزد مستقل از قونیه به پارلمان ترکیه راه یافت و حزب نظام ملی را تشکیل داد اما حزب او از سوی دادگاه قانون اساسی منحل شد. سپس حزب سلامت ملی را تأسیس کرد که این حزب در انتخابات سال 1973 با 48 نماینده به مجلس ملی ترکیه راه یافت. اربکان از 1973 تا 1977 در حکومت های ائتلافی به ریاست بلند اجویت رهبر حزب جمهوری خلق و سلیمان دمیرل رهبر حزب عدالت به عنوان معاون نخست وزیر باقی ماند. او در 6 سپتامبر 1980 که دولت اسرائیل شهر بیت المقدس را پایتخت دائمی اسرائیل اعلان کرده بود تظاهرات وسیعی را در شهر قونیه به نام نجات بیت المقدس براه انداخت. این تظاهرات که در آن دولت ترکیه و ارزش های سکولار مورد انتقاد و حمله قرار گرفت، به کودتای ارتش ترکیه و دستگیری اربکان و انحلال حزب سلامت ملی انجامید. اربکان ده ماه در بندر از میر تحت نظر قرار گرفت و ده سال از فعالیت سیاسی منع شد. اما اعضای حزب سلامت ملی به تشکیل حزب رفاه پرداختند و اربکان را پس از رفع ممنوعیت فعالیت سیاسی در سال 1987 به رهبری حزب مذکور انتخاب کردند.

حزب رفاه به رهبری اربکان در انتخابات سال 1991 به 62 کرسی مجلس ملی ترکیه دست یافت و در 1996 در ائتلاف با حزب راه راست به نخست وزیری رسید. او در رهبری حکومت به تحقق دیدگاه ملی خود پرداخت. روابط نزدیک با کشورهای اسلامی به خصوص ایران و لیبیا برقرار کرد. در صدد ایجاد بازار مشترک اسلامی متشکل از هشت کشور اسلامی در حال توسعه (D-8) (ترکیه، ایران، پاکستان، بنگله دیش، مالیزیا، اندونیزیا، مصر و نایجریا) برآمد.

سیاست اربکان که ارتش ترکیه را به عنوان مدافع نظام سکولار اتاترک به شدت ناخشنود و نگران ساخته بود منجر به راندن او از قدرت سیاسی شد. دادگاه قانون اساسی حزب رفاه را منحل کرد و اربکان را پنج سال از فعالیت سیاسی محروم ساخت. تلاش اعضای حزب مذکور به رهبری محمد رجایی قوتان از یاران اربکان که حزب فضیلت را تشکیل دادند نا فرجام ماند. این حزب نیز از سوی دادگاه عالی غیر قانونی اعلان شد.

همفکران اربکان و در واقع اعضای حزب رفاه و فضیلت پس از آن در دو حزب عدالت و توسعه و حزب سعادت تقسیم شدند. عدالت و توسعه علی رغم پابندی به نظریات اسلام گرایانه ی اربکان به دیدگاه غرب ستیزی او پشت کرد و پس از دسترسی به قدرت سیاسی در سال 2002 سیاست نزدیکی با غرب را در پیش گرفت. در حالی که حزب سعادت کماکان در خط اربکان باقی ماند و اعضای حزب اربکان را به رهبری انتخاب کردند.

حزب عدالت و توسعه از سال 2002 تا اکنون (2012) به تنهایی حکومت را در ترکیه بدست دارد. این حزب که در واقع از بطن دو حزب اسلام گرای رفاه و فضیلت تشکیل شد بیشتر از حزب رفاه به نظام سکولار ترکیه وفاداری نشان میدهد.

### بازتاب سکولاریزم سیاسی در جریان اسلام گرایی ترکیه :

اسلام گرایی ترکیه در واقع تلفیقی از ناسیونالیزم ترکی و اسلام با مدرنیته غربی و یا با اندیشه ها و ارزش های بینش لیبرالیستی و سکولار غربی است. اسلام گرایی ترکیه که در هویت و وجود حزب حاکم عدالت و توسعه باز تاب دارد در واقع به همان جریان نوگرایی اسلامی تعلق می گیرد. حزب عدالت و توسعه در صدد پیوند زدن گذشته به امروز و آینده است. این حزب میخواهد با نگهداری هویت سکولار جدید اتا ترک، هویت پیشین و سنتی ترکیه را که در امپراتوری عثمانی با اسلام گره میخورد حفظ کند و با دنیای اسلام در اتکا به این هویت همگرایی داشته باشد.

حزب عدالت و توسعه به جای آنکه ساختار لائیک ترکیه را بر مبنای اهداف و اندیشه های حزب تغییر دهد در واقع حزب را با آن ساختار وفق داده است. هرچند که مخالفان این حزب به خصوص احزاب سکولار ترکیه این همسویی حزب عدالت و توسعه را با سکولاریزم ترفند سیاسی تلقی میکنند. مخالفان سکولار ترکیه به خصوص رهبران حزب عدالت و توسعه را متهم به دوگانگی سیاسی و پنهانکاری می کنند که مخفیانه در صدد آن هستند تا بر بستر سکولاریزم دولت اسلامی تشکیل دهند.

حزب عدالت و توسعه بزرگترین حزب سیاسی در ترکیه است که بیش از سه میلیون عضو دارد، در حالی که اعضای تمام احزاب سیاسی در این کشور به پنج میلیون نفر میرسد. اگر حزب عدالت و توسعه مودل و الگوی احزاب میانه رو اسلامی و جریان نوگرایی نهضت اسلامی سنی باشد، بدون تردید آن احزاب و جریان های اسلامی بی سرو صدا سکولاریزم سیاسی را می پذیرند. هرچند که چنین چیزی را به زبان نیاورند اما در عمل در این مسیر حرکت میکنند. حزب النهضه تونس و حزب آزادی و عدالت مصر که همان حزب اخوان المسلمین این کشور است سیاست عملی همسو با این تفکر را تعقیب میکنند.

### 8- احزاب اسلامی در آسیای میانه :

جریان اسلام گرایی آسیای میانه پس از فروپاشی شوروی در میان جوامع مسلمان این حوزه سر برآورد. هرچند این جریان توسط دولت های باقی مانده از دوران شوروی به شدت تحت فشار و سرکوبی قرار گرفت، اما پذیرش اجتماعی جریان مذکور در جوامع مسلمان آسیای میانه بسیار اندک بود.

یکی از احزاب اسلامی آسیای میانه حزب تحریر اسلامی است که پایگاه فعالیت آن در دره فرغانه و بیشتر در کشور ازبکستان قرار دارد. حزب تحریر علاوه بر آنکه یک گروه اسلام گرای افراطی است دارای اندیشه های پان ترکی نیز میباشد. حزب تحریر از احیای خلافت اسلامی سخن میزند و بر مبنای افکار و تمایلات ناسیونالیزم ترکی استوار است. حزب تحریر جهان را بدو قطب مسلمان و غیرمسلمان تقسیم میکند که مسلمانان پیوسته زیر فشار نظامی، اقتصادی، فرهنگی و . . . غیرمسلمانان قرار دارد. به باور حزب تحریر تشکیل خلافت اسلامی و تطبیق شریعت یک امر ضروری در مقابله با فشار مذکور است. هر چند این حزب خود را طرفدار روش مسالمت آمیز مبارزه می پندارد اما جهاد را فعالیت عقیدتی تلقی میکند. علی رغم آن حزب تحریر باور و خط مشی یک پارچه ندارد و پیوسته دچار انشعاب بوده است.

پس از حزب تحریر، حرکت اسلامی از پاکستان از احزاب اسلامی است که در سال 1994 عیسوی تشکیل شد. طاهر یولداش و جمعه نمنگانی رهبران این حزب در سال 1997 به اتهام بم گذاری های تاجکند بصورت غیابی به مرگ محکوم شدند. این ها با افراد مسلح شان در کنار القاعده و طالبان در پاکستان و افغانستان می جنگند. حزب عدالت اسلامی و حزب دموکراتیک اسلامی از احزاب دیگر در ازبکستان اند که از موجودیت آنها نیز سخن میرود. علاوه بر این احزاب، گروه های دیگر افراطی در ازبکستان و دره فرغانه نیز بصورت زیرزمینی فعال اند. احزاب اسلامی در کشور ازبکستان و کشورهای آسیای مرکزی از فعالیت قانونی و رسمی محروم هستند.

تاجکستان یگانه کشوری در آسیای میانه است که حزب نهضت اسلامی در واقع حزبی مربوط به جریان اسلام گرایی فعالیت قانونی و رسمی دارد. حزب نهضت اسلامی در آستانه فروپاشی شوروی بوجود آمد. گفته میشود که این حزب بار نخست در جون 1990 در آستراخان روسیه میان تاتار ها و در وادی فرغانه میان تاجک تباران ظهور کرد که مؤسس آن ملامحمد رستموف هندوستانی در جمهوری تاجکستان خوانده می شود. عبدالله نوری که سپس رهبری حزب را بدست گرفت از شاگردان موصوف بود. اولین کنفرانس تأسیس این حزب در 26 اکتوبر سال 1991 دایر شد. حزب نهضت اسلامی تاجکستان به جریان نوگرایی اسلامی تعلق می گیرد که در نظام سیاسی سکولار تاجکستان فعالیت دارد.

نفوذ و حضور گروه های اسلامی در سایر کشورهای مسلمان آسیای مرکزی چون قزاقستان، قیرغیزستان و ترکمنستان تحت تأثیر فعالیت و حضور این جریان در دوکشور تاجکستان و ازبکستان هستند. گروه اسلامی در قزاقستان حزب الاش است که در سال 1990 تشکیل شد و فعالیت آن غیر قانونی است.

## ب- نهضت اسلامی شیعه :

در حالی که جریان اسلام گرایی جامعه شیعه جدا از اسلامی گرایی سنی مطالعه میشود، اما اخوان المسلمین مصر به عنوان نخستین جنبش اسلام گرایی سنی در جنبش اسلامی جامعه شیعه به خصوص در ایران مرکز و محور مذهب شیعه تأثیر گذار بود. ترجمه آثار نویسندگان اخوان المسلمین مصر و سایر کشورهای عربی به فارسی و انتشار آن در ایران حکایت از این تأثیر داشت. برغم این تأثیر، نهضت اسلامی در جوامع سنی و کشورهای مسلمان سنی مذهب و جنبش اسلامی در میان شیعیان به همان حدی اختلاف و افتراق مذهب سنی و شیعه دو پدیده ی جدا و حتا ناهمسو هستند. علی رغم آنکه هر دو جنبش سیاسی اسلامی در جوامع سنی و شیعه از امت مسلمان و یا همان انترناسیونالیزم اسلامی صحبت میکنند و شعار اسلام مرز ندارد را سر میدهند، اما در واقع مرز های دو طرف مرز های سرخ و غیر قابل عبور هستند. بسیاری از احزاب و گروه های سیاسی اسلامی در جوامع سنی و در واقع سه جریان بنیادگرایی اسلامی، سنت گراها و افراط گرایان اسلامی در جوامع سنی، مذهب شیعه را گمراه و انحرافی تلقی میکنند. مسلم است که با احزاب سیاسی اسلام گرای شیعه با همین ذهنیت نگاه میکنند. هر چند که بخش میانه رو در جریان بنیادگرایی اسلامی و جریان نوگرایی اسلامی نگاه مخاصمت آمیز همچون گروه های متذکره با شیعیان و جریان اسلام گرایی شیعه ندارند، اما همسویی و صمیمیتی هم با شیعه نشان میدهند.

جنبش های اسلامی شیعه نیز در واقع با نگاه برادرانه به جنبش های اسلام گرای سنی نمی بینند. روابط سرد و حتا تعارضات لفظی رهبران احزاب اسلامی کشورهای عربی در سه دهه اخیر با جمهوری اسلامی ایران از جبهه نجات اسلامی الجزایر تا النهضه تونس، اخوان المسلمین مصر و غیره این ناهمسویی و اختلاف را منعکس میسازد. هر چند جنبش اسلامی پیروزمند شیعه بر رهبری

آیت الله خمینی در مسند قدرت به خصوص در سالهای نخست جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا با جریان اسلامی سنی مناسبات و همسویی نزدیک را شکل دهد، اما چنین مناسباتی شکل نگرفت.

بخش دیگر از تفاوت میان جریان اسلام گرایی شیعه و سنی بر سر نقش علمای مذهبی بر میگردد. در جامعه شیعه و جریان اسلام گرایی شیعه علمای مذهبی یا قشر روحانیون بیشتر از جوامع سنی و جریان اسلام گرایی آن تأثیر و اهمیت دارد. عالمان دینی ویژه بنام آیت الله العظمی به عنوان مراجع تقلید مذهبی که با اخذ مالیات ویژه بنام خمس به توانایی و استقلال مالی و اقتصادی خود می افزایند، قدرت دینی و مذهبی متمرکز را شکل میدهند. از این رو آنها هم در جامعه و هم در میان جریان اسلام گرایی و نهضت اسلامی شیعه نقش رهبری کننده و محوری ایفا میکنند. در حالی که عالمان دینی جوامع سنی از نقش و تأثیر مشابه محروم هستند. بدون تردید یکی از عوامل مهم پیروزی جنبش اسلام گرایی شیعه در ایران بر هبری آیت الله خمینی و تشکیل دولت اسلامی به همین قدرت مذهبی متمرکز روحانیون بر میگشت.

## مهم ترین احزاب اسلامی شیعه:

### 1- ایران:

نخستین نهضت اسلام گرایی سازمان یافته در سده ی بیستم جامعه شیعه ایران جنبش فدائیان اسلام بود که توسط سید مجتبی میرلوحی (نواب صفوی) در سال 1943 عیسوی تشکیل شد. افکار اخوان المسلمین مصر در شکل گیری فدائیان اسلام و اندیشه ی اسلام گرایی نواب صفوی تأثیر گذار بود؛ اما فدائیان اسلام و رهبر آن حتی بیشتر از دوره های آغاز حیات اخوان المسلمین و دیدگاه های افراطی در داخل این جریان یک گروه افراط گرای اسلامی بود که در جهت حذف فزینی مخالفان فکری خود به خشونت و ترور متوسل شد. این گروه احمد کسروی نویسنده و مؤرخ زندانی را در سال 1945 (1324) در ساختمان وزارت دادگستری ایران به قتل رسانید.

در حالی که فدائیان اسلام نخستین تشکیلات جریان اسلام گرایی شیعه در ایران شمرده میشود، اما اسلام گرایی بمتابه ی جنبش سیاسی در جهت تشکیل حکومت اسلامی توسط شماری از علمای مذهبی و در حوزه های علمیه در سده بیستم به ویژه در نیمه دوم این صده گسترش یافت. از میان علمای شاخص و تأثیر گذار این جریان آیت الله خمینی بود که در آغاز دهه شصت عیسوی قرن بیستم وارد این معرکه شد و با سلطنت پهلوی در افتاد. علی رغم آن، نهضت اسلامی شیعه در ایران تنها به آیت الله خمینی و علمای مذهبی یا روحانیت محدود نمی شد.

در بیرون از حوزه روحانیت، عناصر و حلقه های دیگر اسلام گرا از فعالان و تأثیر گذاران این جریان بودند. داکتر علی شریعتی و مهدی بازرگان برجسته ترین چهره های جریان اسلام گرایی یا نهضت اسلامی شیعه در نیمه دوم قرن بیستم شناخته میشوند. شریعتی هر چند که به تأسیس سازمان و حزب سیاسی دست نزد اما بروی جریان اسلامی تأثیر مهمی گذاشت. او نظریات ویژه ای در مورد نهضت اسلامی داشت. وی از سوسیالیسم اسلامی سخن میگفت و در واقع میتوان او را رهبر تفکر اسلام گرایی چپ خواند. او سوسیالیسم را همراه با ایمان دینی می ستود و مقوله های مارکسیستی و چپ انقلابی چون تضاد طبقاتی، استثمار، زیربنا و روبنا، بورژوازی، آیدئولوژی و غیره را در توضیح معارف و آموزه های سیاسی و اجتماعی اسلام بکار میبرد.

مهدی بازرگان یکی دیگر از رهبران جریان اسلام گرایی خارج از حوزه روحانیت ایران است که در 1961 عیسوی حزب اسلام گرای نهضت آزادی ایران را تأسیس کرد. بازرگان روشنفکر اسلام

گرای لیبرال محسوب می شد که در صدد انطباق اسلام با ارزش های مدرن و نظام لیبرال غربی بود. بازرگان اسلام را دین عملگرا می پنداشت که میتواند با دنیای جدید همسویی نشان دهد.

پس از انقلاب ایران و تشکیل جمهوری اسلامی مهم ترین حزب اسلامی به همین نام یعنی حزب جمهوری اسلامی تأسیس یافت که توسط آیت الله بهشتی مدیریت می شد. اما روحانیون حاکم که گسترش و اقتدار حزب مذکور را مضر برای حفظ قدرت متمرکز و انحصاری دینی و اجتماعی خود یافتند به انحلال حزب پرداختند. هر چند سازمانها و احزاب مختلفی با پسوند و پیشوند اسلامی در داخل نظام جمهوری اسلامی مجال حضور و فعالیت یافتند، ولیکن هیچکدام نتوانستند به عنوان حزب مستقل بیرون از حوزه اقتدار و نفوذ روحانیت حاکم تبارز کنند.

### حکومت اسلامی مبتنی بر نظریه ی ولایت فقیه :

جریان اسلامی شیعه در ایران بر رهبری روحانیون که در رأس آن آیت الله خمینی قرار گرفت یک جریان سیاسی فقهاتی بود که نظریه ولایت فقیه بر مبنای آن شکل یافت و حاکم شد. برغم نفوذ و تأثیرگذاری شریعتی و چهره های غیرروحانی شاخص این نهضت در میان حلقه های فکری نهضت اسلامی ایران، علمای مذهبی بر رهبری آیت الله خمینی زعامت نهضت و حاکمیت سیاسی را در انحصار خود گرفتند.

تشکیل دولت اسلامی شیعه در ایران موجب شکل گیری احزاب اسلامی شیعه و یا تقویت این احزاب در میان جوامع شیعه سایر کشورهای اسلامی شد. انقلاب اسلامی ایران و آیت الله خمینی در واقع به جامعه شیعه در سراسر جهان نوعی از اعتماد به نفس بخشید. جریانهای اسلامی شیعه در افغانستان، عراق، لبنان، بحرین، پاکستان، کویت و بعضی کشورهای دیگر اسلامی وارد میدان مبارزه و سیاست شدند؛ در حالی که تا قبل از شکل گیری جمهوری اسلامی ایران روحانیون شیعه و جریان های اسلام گرایی شیعه نقش قابل توجهی در عرصه فعالیت های سیاسی و ساختار قدرت سیاسی نداشتند.

دولت اسلامی را که آیت الله خمینی در ایران بنیان گذاشت بر اصل ولایت فقیه استوار بود. ولایت فقیه در واقع تیوری تشکیل نظام و حکومت اسلامی در میان بعضی از فقهای شیعه است که مشروعیت و الزامیت این حکومت و نظام سیاسی اسلامی را به باور شیعیان امامیه در زمان غیبت امام دوازدهم بیان میکند. بر اساس این نظریه مردم باید فقیه دارای شرایط فقهت را به رهبری و در واقع به حکومت برگزینند. البته برای تعیین ولی فقیه دو دیدگاه انتصاب و انتخاب مطرح میشود.

نظریه ولایت فقیه هرچند در فقه شیعه از سوی بعضی عالمان مذهبی مورد بحث قرار گرفته است، اما آیت الله خمینی در دوران تبعید در نجف به توضیح و تفسیر آن پرداخت. او پس از انقلاب دلو 1357 که قدرت سیاسی را در واقع بدست گرفت جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای این دیدگاه شکل داد. آیت الله خمینی حدود اختیارات و حوزه صلاحیت ولی فقیه را در کتاب تحریرالوسیله خود شامل تمام اختیارات و صلاحیت های امام معصوم مبتنی بر باور شیعه امامیه میداند و تنها فرمان جهاد ابتدایی را از این صلاحیت مستثنی میکند. بر مبنای این نظریه ولی فقیه در حکومت اسلامی در واقع از صلاحیت نامحدود برخوردار است و حق دخالت را بر تمامی امور دولت دارد. چون: صلاحیت در قضاوت، در اخذ مالیات شرعی (خمس، زکات و غیره)، صلاحیت در امر حبسیه (تمام اوامر و نواهی شرعی) و تصدی امر حکومت و . . . .

ولایت فقیه پس از تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مصوبه مجلس خبرگان در قانون مذکور اضافه شد. سپس در بازنگری قانون اساسی در سال 1368 خورشیدی واژه مطلقه را به آن

افزودند. ولایت مطلقه فقیه گسترش اختیارات رهبر و ولی فقیه است که در رأس نظام جمهوری اسلامی قرار دارد.

البته نظریه ولایت فقیه نه تنها مورد پذیرش تمام فرقه های مذهب شیعه نیست، بلکه این نظریه را بخشی از عالمان مذهبی و مراجع تقلید مذهب دوازده امامی شیعه تردید میکنند و حکومت اسلامی را در نبود امام معصوم نمی پذیرند. حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر رهبری آیت الله خمینی که علمای مذهبی شیعه به اقتدار سیاسی رسیدند بعضی مراجع با نفوذ شیعه چون آیت الله خویی با نظریه ولایت فقیه مخالف بودند.

### 1- افغانستان:

اسلام گرایی در جامعه شیعه افغانستان سیر جداگانه از جریان اسلام گرایی اکثریت سنی مذهب این کشور داشت. شخصیت معروف این جریان سید اسماعیل بلخی بود که در سلطنت محمدظاهرشاه زندانی شد. اما زمان رشد نهضت اسلامی در جامعه شیعه افغانستان سالهای دهه هشتاد و پس از آن بود. در دهه هشتاد عیسوی سازمانهای مختلف اسلامی شیعه ظهور کردند که مراکز اصلی رهبری آنها در ایران قرار داشت.

جریان اسلام گرایی شیعه همچون جریان اسلام گرایی سنی در افغانستان در تمام سالهای متذکره دچار تفرقه شدند. هرچند پس از خروج قوای شوروی و سقوط دولت حزب دموکراتیک خلق دو حزب وحدت اسلامی بر رهبری عبدالعلی مزاری و حرکت اسلامی بر رهبری محمدآصف محسنی شریک قدرت سیاسی شدند اما به توفیقی در وحدت و هماهنگی جریان اسلام گرایی شیعه بر مبنای اهداف مذهبی و سیاسی دست نیافتند.

### 2- کشورهای عربی :

#### عراق:

مهم ترین احزاب اسلامی شیعه در عراق مجلس اعلای اسلامی عراق و جنبش اسلامی بر رهبری مقتدی صدر است. مجلس اعلای اسلامی عراق بنام مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در سال 1361 خورشیدی توسط جمعی از علمای شیعه عراقی مقیم تهران تشکیل شد. در تأسیس این حزب سیاسی- مذهبی شیعه عراقی خانواده حکیم نقش اصلی داشتند. پس از رهبری این حزب توسط سید محمود هاشمی، محمدباقر حکیم در ریاست حزب مذکور قرار گرفت و پس از مرگ او عمار حکیم به رهبری مجلس اعلای اسلامی عراق رسید. این حزب در حکومت عراق سهم قابل ملاحظه دارد و بسیاری از گروه های سیاسی- مذهبی شیعه را در ائتلاف ملی عراق رهبری میکند.

حزب دعوت اسلامی یکی دیگر از احزاب اسلامی شیعه در عراق است که در سال 1957 عیسوی توسط عالمان مذهبی شیعه چون: آیت الله محمد باقر صدر، آیت الله سید مرتضی عسکری، ادیب موسوی و غیره تأسیس شد. باقر صدر در سال 1980 با ده ها تن از فعالان حزب الدعوه توسط دولت صدام حسین به قتل رسید و این حزب مورد سرکوبی قرار گرفت. بسیاری از رهبران و فعالان آن به ایران فرار کردند. پس از حمله امریکا و سقوط حکومت صدام حسین این حزب وارد حوزه قدرت سیاسی عراق شد و ابراهیم جعفری عضو این حزب به نخست وزیر رسید.

حزب صدریون یا جنبش صدری ها یکی دیگر از احزاب مقتدر سیاسی- مذهبی شیعیان عراق است که پس از یورش نظامی امریکا در سال 2003 عیسوی شکل گرفت. این حزب در واقع توسط نسل



جوان و جدید حزب دعوت ایجاد شد که در رهبری آن مقتدی صدر چهارمین پسر محمد باقر صدر قرار دارد. او یک نیروی نظامی را بنام سپاه بدر نیز فرماندهی میکند.

سازمان عمل اسلامی یکی دیگر از احزاب قدیمی شیعیان عراق است که در دهه شصت سده بیستم عیسوی توسط آیت الله سید محمد شیرازی و سید محدثی مدرسی تأسیس شد.

## لبنان:

حزب الله لبنان یکی از مهم ترین حزب اسلامی جریان اسلام گرایی اهل تشیع است. این حزب در سال 1982 عیسوی با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و در سال 1985 بنام حزب الله لبنان اعلان موجودیت کرد. سپس اولین کنگره حزب الله در تهران تشکیل شد که در آن 9 تن به عنوان اعضای شورای رهبری مشخص شدند. حزب الله هدف خود را تأسیس جمهوری اسلامی در لبنان خواند و خط مشی سیاست خود را بر مبنای مبارزه با اسرائیل و غرب گذاشت.

پس از آنکه در سال 1992 عیسوی سیدعباس موسوی دبیر کل حزب الله توسط چرخبالیهای اسرائیل کشته شد، سید حسن نصرالله عضو شورای رهبری به دبیرکل یا رهبری حزب الله رسید.

حزب الله پس از تشکیل رسمی خود که مورد حمایت مالی و تسلیحاتی ایران قرار گرفت به جنگ نامتقارن با اسرائیل ادامه داد و موجب عقب نشینی نیروهای اسرائیل در 24 می 2000 از جنوب لبنان شد. سپس جنگ 34 روزه با اسرائیل در جولای و آگست 2006 شهرت و موقعیت حزب الله را بالا برد.

حزب الله افزون بر آنکه از لحاظ نظامی قدرت مهم و ناشناخته ای است، از لحاظ تبلیغاتی، سیاسی، اجتماعی و سازماندهی حزبی بسیار با موفقیت عمل میکند. این حزب دارای شبکه جهانی تلویزیون المنار و فرستنده های رادیو النور و صدای مستضعفین، هفته نامه العهد و ماهنامه البلاد است. حزب الله در فعالیت های اجتماعی و ارائه خدمات اجتماعی نقش مهمی ایفا میکند. این حزب در سال 2011 عیسوی با مؤتلفین خود رهبری حکومت لبنان را تشکیل داد و در کابینه صاحب 8 وزارت شد.

## بحرین و کویت:

حزب وفاق اسلامی بزرگترین حزب شیعیان کشور کوچک عربی بحرین است که جامعه شیعه اکثریت باشندگان این کشور را تشکیل میدهند. همچنان احزاب دیگر چون: جمعیت عمل اسلامی، حزب وعد دومین حزب شیعه در این کشور محسوب میشود. این احزاب با تأثیر از جنبش بهار عربی در سال 2011 به تظاهرات خیابانی علیه حکومت سنی مذهب دست زدند اما جنبش اعتراضی آنها به کمک نیروهای عربستان سعودی توسط دولت بحرین سرکوب شد.

در کشور کویت ائتلاف ملی اسلامی و ائتلاف عدالت و صلح دو حزب سیاسی اسلامی جامعه شیعه است. احزاب شیعه در این کشور با دولت سنی کویت روابط نزدیک دارند.

## 3- سایر کشورهای اسلامی :

تحریک فقه جعفریه پاکستان مهم ترین حزب اسلامی در جامعه شیعه پاکستان است که در سال 1979 عیسوی تشکیل شد. در اساسنامه حزب مذکور تشکیل نظام اسلامی و قانونگذاری بر مبنای تمام مذاهب اسلامی موجود در پاکستان به خصوص اجرای فقه جعفری برای شیعیان کشور اهداف اصلی حزب خوانده میشود. پس از ترور عارف حسینی رهبر حزب مذکور در آگست سال 1988 رهبری این حزب را سید ساجد نقوی بدوش دارد که شورای عالی و شورای مرکزی حزب مذکور را ریاست میکند.

سپاه محمد یکی دیگر از احزاب شیعه پاکستان است که در سال 1990 عیسوی به عنوان یک سازمان سیاسی- نظامی ایجاد شد تا با گروه های اسلامی سنی پاکستان بمقابله برخیزد.

در میان جامعه 160 میلیونی هندوستان شیعیان این کشور که بیش از بیست میلیون تخمین میشود احزابی چون: اتحاد مسلمین هندوستان، انجمن شرعی شیعیان، انجمن علما و واعظین و شماری از سازمانهای دیگر گروه های اسلامی شیعه را تشکیل میدهند.

**ادامه دارد**